



امام خمینی در نوفل لوشاتو

توافق مقامات برجسته سه کشور ایران، عراق و آمریکا برای اعمال فشار به امام خمینی با هدف توقف یا کاهش فعالیت‌های سیاسی ضدحکومت استبدادی شاه در ایران، به هدف مورد نظر منجر نشد و در نهایت، به سفر امام خمینی به فرانسه و گسترش بی‌سابقه مبارزه انجامید.

پیام‌ها و بیانیه‌هایی که امام خمینی در نجف صادر می‌کرد، فقط در ایران تکثیر و توزیع می‌شد اما در سطح فراملی، منطقه‌ای و جهانی یا بازتابی نداشت یا بسیار ناچیز بود. گرچه نهادها و سازمان‌های سیاسی هوادار در اروپا و آمریکا سخنرانی‌ها و بیانیه‌های ایشان را گاهی اوقات به زبان‌های خارجی (انگلیسی، فرانسه، آلمانی و عربی) ترجمه و توزیع می‌کردند اما انعکاس وسیعی نداشت. در خاورمیانه رسانه‌های عربی هم با مبارزات ملت ایران و رهبران آن یا آشنا نبودند و یا به‌طور عمد از پخش اخبار مربوطه خودداری می‌کردند و این بیانیه‌ها را حتی به‌صورت خبر هم منتشر نمی‌کردند.

سفر صد و هیجده روزه امام خمینی از عراق به فرانسه و استقرار در دهکده نوفل لوشاتو از ۱۴ مهر ماه تا ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ انقلاب ایران را از یک پدیده محلی و ملی به یک واقعه مهم بین‌المللی تبدیل کرد و ایران را تبدیل به کانون توجهات جهانی نمود.

تا قبل از این سفر امکانات امام خمینی برای رهبری نهضت اسلامی در ایران محدود و در حد ارتباط نواری و اعلامیه‌ای بین عراق و ایران بود که چندان پوشش جهانی نداشت اما با هجرت اجباری ایشان به فرانسه و استفاده از جو رسانه‌ای آزاد در این کشور نهضت ایران، جهانی شد و جنبه بین‌المللی پیدا کرد.

با شروع انقلاب در ایران و انجام تظاهرات برنامه‌ریزی شده و منظم، شاه و مقامات امنیتی رژیم را به این نتیجه رساند که باید از فعالیت‌های سیاسی امام در عراق جلوگیری کنند و فشار لازم را از طریق صدام حسین و دولت او به امام وارد نمایند.

می‌شود.

نکته مهم این که گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی در فرانسه به‌طور کامل در نشریات و رسانه‌های ایران درج شده و مورد استفاده مخاطبان قرار گرفته است اما ملاقات‌های دیپلماتیک امام خمینی در پاریس با مقامات فرانسوی و آمریکایی و سایر دولت‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار گرفته که در این نوشتار با استفاده از همین خاطرات به آن پرداخته می‌شود. این بخش از این نظر مهم است که بسیار مستند و قابل اتکا است، زیرا دکتر یزدی در این ملاقات‌ها یا مترجم امام بوده و یا تهیه‌کننده صورتجلسه ملاقات‌ها. بنابراین، از نظر تاریخی بسیار مستند، مهم و قابل اعتماد است.

در این نوشتار با توجه به ضرورت کوتاه بودن سرمقاله و ظرفیت حجمی کم آن، فقط به خلاصه‌ای از ملاقات‌های امام خمینی با مقامات فرانسوی می‌پردازیم و در آینده در سال‌های بعد به دیگر گفت‌وگوهای دیپلماتیک ایشان خواهیم پرداخت.

نمایندگان دولت فرانسه از بدو ورود امام خمینی به پاریس و تا آخرین ساعت‌های سفر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با امام خمینی در تماس بودند. محتوای این تماس‌ها و گفت‌وگوها بیانگر مواضع دولت فرانسه در برابر مبارزات ملت ایران و تحول در آن مواضع بود. متناسب با رشد سریع حرکت ملت ایران در داخل کشور، محتوای تماس‌ها و گفت‌وگوها تغییر می‌کرد و سیر تحول مشخصی را در برخورد‌ها مواضع دولت فرانسه نسبت به انقلاب ایران و رهبری آن نشان می‌داد.

سفر به فرانسه اما حمایت و همکاری نزدیک روشنفکران دینی مستقر در پاریس و اروپا را به همراه داشت که طی صد و هیجده روز اقامت امام خمینی در دهکده نوفل لوشاتو با استفاده از امکانات وسیع رسانه‌ای وضعیت جنبش را به کلی تغییر داد و موقعیت بسیار ممتازی در اختیار نهضت ضداستبدادی و ضداستعماری ملت ایران قرار داد و انقلاب ایران را به یک رویداد بزرگ و کانون توجهات جهانی تبدیل کرد.

امام خمینی در نوفل لوشاتو توانست ماهیت دیکتاتوری رژیم شاه را برای جهانیان به نمایش بگذارد و ایده‌آل‌های خود را از حکومت آینده و اهداف انقلاب اسلامی به‌طور کامل تشریح نماید. مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای ایشان در فرانسه مقطعی مهم از تاریخ انقلاب اسلامی ایران است که اهداف انقلاب و نحوه حکمرانی اسلامی از دیدگاه ایشان را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

دکتر ابراهیم یزدی از فعالان مذهبی و سیاسی ایران در قبل از انقلاب و نماینده امام خمینی در آمریکا برای اخذ وجوهات شرعی، همراه امام خمینی از عراق به پاریس بوده که خاطرات این دوره صد و هیجده روزه را به رشته تحریر درآورده و تحت عنوان شصت سال صبوری و شکوری در جلد سوم خاطرات به‌طور کامل به شرح وقایع این دوه پرداخته است.

از آن‌جا که دکتر ابراهیم یزدی اکثر اتفاق‌های مهم دوران اقامت امام خمینی در فرانسه و نوفل لوشاتو را در خاطرات خود ثبت نموده و ناظر بلافاصله آن وقایع بوده، منبع اصلی این مقاله قرار می‌گیرد و مطالب هم از آن خاطرات نسخه‌برداری

در ابتدا سیاست دولت فرانسه ایجاد محدودیت و اعمال فشار و جلوگیری از فعالیت امام خمینی بود، اما سیل تلگرافات از ایران به ژیسکار دستن و هم‌چنین دیدار نمایندگان مردم با سفیر فرانسه در تهران و اهدا دسته گل از یک طرف و تشدید مبارزات ملت ایران و بروز علایم مشهود سقوط قریب‌الوقوع شاه و نگرانی دولت فرانسه از منافع آینده‌اش در ایران موجب تغییرات در سیاست این کشور گردید.

در ملاقات اول مقامات فرانسوی با امام خمینی که دو روز بعد از ورود ایشان به پاریس صورت می‌گیرد، نماینده کاخ الیزه و دفتر رئیس جمهور فرانسه می‌گوید: «از ورود شما به فرانسه اطلاع نداشتیم و اگر داشتیم اجازه ورود نمی‌دادیم. حال که وارد شده‌اید، حق هیچ‌گونه فعالیت سیاسی ندارید و مصاحبه با خبرنگاران مطبوعات، رادیو و تلویزیون‌های فرانسوی و غیر فرانسوی ممنوع است.»

امام خمینی در پاسخ او فقط می‌گوید: «ما فکر می‌کردیم در فرانسه آزادی هست.»

دومین ملاقات که در ۲۲ مهر ماه ۱۳۵۷ انجام شد، جهت جلوگیری از حضور امام خمینی در جلسه‌ای بود که اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا تشکیل داده بودند و اصرار داشتند که ایشان حتماً در این برنامه شرکت نمایند. بعد از انتشار اطلاعیه دانشجویان دو نفر از جانب کاخ الیزه یعنی کاخ رئیس جمهور فرانسه به دیدار امام خمینی آمدند و رسماً اعلام کردند که ایشان نمی‌توانند در برنامه دانشجویان شرکت کنند و اگر در این برنامه‌ها شرکت کنند باید خاک فرانسه را

ترک کنند.

نظر امام خمینی در این باره این بود که چون کار اصلی و صحنه واقعی مبارزه در داخل ایران است و اقدامات خارجی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد، بنابراین، شرایط محدودیت‌های دولت فرانسه به‌طور موقت رعایت گردد.

سومین ملاقات و گفت‌گویی نمایندگان رسمی دولت فرانسه با امام خمینی در ۲۰ آذر ۱۳۵۷ و بعد از صدور بیانیه ایشان با عنوان «پیروزی خون بر شمشیر» صورت گرفت.

در فاصله ملاقات دوم نمایندگان رسمی دولت فرانسه در ۲۲ مهر ماه تا این ملاقات، تغییرات وسیعی در ایران صورت گرفته بود و موضوع انقلاب ایران علیه استبداد شاه به یک موضوع بین‌المللی تبدیل شده بود. دولت فرانسه به‌خاطر منافع اقتصادی فراوانی که در ایران داشت، نمی‌خواست آشکارا در برابر انقلاب بایستد و موضع منفی و ضد آن اتخاذ کند.

مدیر کل کنسولی وزارت امور خارجه به‌عنوان نماینده دولت فرانسه در این ملاقات چنین گفت: «دولتم مرا برای دیدار شما فرستاده است. دولت متبوعه من نهایت احترام را برای شما قائل است. بی‌نهایت خوشوقتم که این فرصت را به دست آورده‌ام که به دیدار شما بیایم. وزیر و وزارتخانه من توجه زیادی به حضور شما در فرانسه دارند. کشور فرانسه پناگاهی است برای تمامی کسانی که مشکلاتی دارند و به تمام موارد توجه زیادی داریم. همان‌طور که احتمالاً می‌دانید رژیم فرانسه دموکراتیک است. خود مردم آن را انتخاب کرده‌اند. مردم می‌توانند آزادانه ابراز عقیده کنند. اتباع خارجی

نه مجلس قانونی دارد و نه شاه قانونی و نه دولت قانونی ... ما اعتقاد داریم که شاه و دولت غاصب است و اعتقاد داریم که سرنوشت ما باید در دست خودمان باشد. این‌ها با زور سرنیزه حکم می‌کنند. شاه غاصب است و بر ضد تمامی مصالح ملت قیام کرده است.»

«اگر دولت فرانسه مایل نیست ما حرف حقمان را بزنیم، با ناراحتی به جای دیگری منتقل می‌شویم.» نماینده فرانسه در پاسخ امام خمینی می‌گوید: «آن‌چه برای ما مطرح است این است که ما در مقام قضاوت نیستیم که شاه درست عمل می‌کند یا آیت‌الله. ما نمی‌خواهیم داخل این مقوله بشویم.» امام در پاسخ او می‌گوید:

«شما هیچ‌وقت به سفارت خودتان در ایران مراجعه کرده‌اید که این کشتارهایی که می‌شود علتش چیست؟ آن‌ها می‌کشند، اسیر می‌کنند، مردم را حبس و تبعید می‌کنند. این‌جا دولت فرانسه می‌گوید ما صحبت نکنیم؟ مظالم آن‌ها را نگوئیم؟ آیا این آزادی است؟ اسمش آزادی است؟» نماینده فرانسه:

«ما نمی‌خواهیم از مطالب ما، وقتی می‌گوییم نمی‌خواهیم جانب‌داری کنیم، این‌جور استباط شود که احساسی نسبت به آن‌چه در ایران می‌گذرد، نداریم. این که گذاشته‌ایم شما کار کنید، یعنی جانب‌داری می‌کنیم. ما فرق قایل هستیم بین انتقاد به هر شدت و وسعت با بسیج مردم ودعوت به قیام و شورش.»

امام خمینی در پاسخ می‌گوید:

«به نظر من دولت فرانسه در این امر در اشتباه است. مسأله امر به شورش نیست، علیه شورش

هم وقتی به فرانسه می‌آیند می‌توانند از همان ضوابط تبعیت کنند.»

«دولت فرانسه در مورد فعالیت‌های شما در خاک فرانسه مشکلی دارد که حداقل آن بیان مطالب ایراد شده از جانب شما است. دولت ما با نهایت دقت بیانات دیروز شما را خوانده و به همین دلیل امروز من به این‌جا آمده‌ام. در بیانات دیروز شما سه مطلب وجود دارد. دعوت به اعتصابات، دعوت به فرار سربازان از ارتش و دعوت به نافرمانی و ایجاد بلوا.»

«هر خارجی مقیم فرانسه می‌تواند نظام سیاسی کشور خود را مورد انتقاد قرار دهد، اما برای ما بسیار مشکل است که دعوت به نافرمانی و بلوا در کشور را بپذیریم.»

«منظور من از آمدن و دیدار شما این است که ناراحتی و عدم رضایت دولت فرانسه را نسبت به اعلامیه‌ای که دیروز صادر کرده‌اید به شما ابلاغ کنم.»

خلاصه پاسخ‌های امام خمینی به نماینده دولت فرانسه به شرح زیر است:

«من از این که دولت فرانسه، بعد از سختگیری اولیه آزادمان گذاردند، قدردانی می‌کنم. البته از دولت فرانسه که آزادی در دین و آزادی بشر را محترم می‌شمارد، ما همین توقع را داریم و خودمان را آزاد می‌بینیم.»

«اما در مورد مطالبی که گفتید، اول ناراحتی‌هایتان در مورد فرار سربازان، باید بگویم قضیه سربازی هر وقت این امر قانونی باشد و دولت هم قانونی باشد و مطابق با آرای ملت، سربازگیری را باید خودش اعلام کند که بیاید و خدمت کنید. ایران متأسفانه

دوستی شما با مردم ایران برقرار باشد.»
نماینده دولت فرانسه:

«در هر حال، واقعیت این است که من برای بحث در زمینه مسایل سیاسی نیامده‌ام، مشکل ما مشکل دولت فرانسه است. از فرصتی که دادید و مرا پذیرفتید، تشکر می‌کنم. ما برای شما احترام بسیاری قایل هستیم اما در هر حال برای آن که نقطه ابهامی نباشد باید عرض کنم که ما از قوانین خود عدول نمی‌کنیم. این قوانین مافوق اشخاص است. با نهایت امانت مطالب شما را هم به نظر مقامات بالاتر می‌رسانم و مجدداً تماس می‌گیرم.»
زمانی که خبر این دیدار به رسانه‌های فرانسوی رسید و اعلام شد که محدودیت‌هایی برای فعالیت امام ایجاد شده است، روزنامه‌های فرانسه اعتراض خود را به دولت شروع کردند و از این اقدام دولت به شدت انتقاد کردند.

تظاهرات و راهپیمایی‌های عظیم میلیونی تاسوعا و عاشورا در تهران و نظم بی‌سابقه آن و شعارهای قاطع علیه شاه، به‌خصوص در روز عاشورا، در سطح بسیار گسترده‌ای در جهان انعکاس پیدا کرد. اجرای موفقیت‌آمیز برنامه تکبیرگویی بر پشت‌بام‌ها و راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا اعتبار جدیدی برای انقلاب اسلامی در سرتاسر جهان به‌وجود آورد. این راهپیمایی‌ها به‌صورت یک فراندوم واقعی علیه سلطنت پهلوی تلقی شد و به حق نقطه عطفی از رشد و گسترش جنبش ضداستبدادی بود که بر مواضع دولت‌های غربی و ذی‌نفع در ایران اثر تعیین‌کننده‌ای داشت. این تأثیر در مذاکرات نمایندگان دولت فرانسه کاملاً بارز بود.
در چنین فضایی نمایندگان دولت فرانسه با امام

است. امر به قیام، ضدشورش است. برای فلج کردن شورش است. دولت فرانسه از شاه جانب‌داری می‌کند و این اشتباه است. باید از ملت پشتیبانی کنید. شاه رفتنی است، شاه نخواهد ماند. ملت می‌ماند و ملت اصل است. شاه جانی است و برای حیثیت فرانسه ضرر دارد که از یک جانی طرفداری کند. فرانسه که آزادی‌خواه است به مظلومان و آزادی‌خواهان می‌گوید فریاد نزنید تا آن‌ها جنایات خود را بکنند. این برخلاف مصالح فرانسه است و فرانسه باید مصالح آتی خود را ببیند.»
نماینده فرانسه:

«جسارت است اگر بخواهم شما را درباره مسایلی که می‌گویید متقاعد کنم. ما در این معنایی که می‌گوییم، تنها درباره مصالح مملکت صحبت نمی‌کنیم بلکه قوانین را رعایت می‌کنیم تا حداکثر آزادی بیان را تأمین کنیم. ما نفوذ کلام و رهبری شما را می‌فهمیم و در نظر داریم. با توجه به این‌ها، در نهایت صداقت، مطلب شما را به اطلاع دولت متبوعه خود می‌رسانم.»
امام خمینی:

«شما می‌بینید که مردم ایران و حتی ارتشی‌ها، چه احترامی به فرانسوی‌ها که به ایران می‌روند می‌گذارند و می‌دانید که چرا؟ چون من این‌جا هستم و داد مظلومیت آن‌ها را سر می‌دهم. من میل ندارم که این وضع عوض شود. مسایلی که پیش می‌آورد خبرش به ایران برسد، نظرشان را ممکن است عوض کنند و من میل ندارم. من مهمان شما هستم. دولت فرانسه بهتر است تجدیدنظر کند و به اشخاصی که مورد احترام همه طبقات حتی ارتشی‌ها هستند، توجه کند. من مایل هستم

ژاک روبر: «از فرصت و ملاقاتی که به ما داده و ما را پذیرفته‌اید، تشکر می‌کنم و توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که همان‌طور که موسیو شایه گفتند هدف ما دخالت در امور ایران نیست، بلکه منظور از این ملاقات و مذاکره کسب اطلاعات بیشتر از اوضاع ایران است. دولت فرانسه علاقمند است آن‌چه که در دنیا اتفاق می‌افتد، بفهمد تا در سیاست خود مستقل عمل کند. این اطلاعات را برای سیاست مستقل خود لازم می‌دانیم. ما نسبت به مردم ایران علاقه قدیمی داریم. مسایل سختی که در ایران در ماه‌های گذشته رخ داده است توجه ما را به خود جلب کرده است. نفوذ قطعی شما در ایران ما را بر آن داشته که خدمت شما برسیم و چند سؤال در این باره مطرح کنیم.»

«اولین مطلب تحلیل کلی از مسایل ایران خصوصاً درباره دولت بختیار و احتمال تشکیل شورای سلطنت است.»
امام خمینی:

«مکرر گفته‌ایم که ما و ملت تحمل شاه و شورای سلطنت را نخواهیم کرد. تمامی بدبختی‌های ما از شاه و رژیم سلطنت است. بختیار هم مثل اسلافش چند روزی خواهد بود و کنار خواهد رفت.»
ژاک روبر:

«منظور شما این است که حتی رفتن شاه به خارج هم راه حل نیست؟»

امام خمینی: خیر
ژاک روبر: «آیا استعفای کامل (شاه) مورد نظر است؟»

امام خمینی:
«استعفای کامل! او الان هم کنار است. استعفا

خمینی دیدار کردند. در این دیدار که در روز ۱۰ دی ماه ۵۷ برگزار شد علاوه بر موسیو کلودشایه نماینده مخصوص کاخ الیزه و رئیس امور کنسولی فرانسه، فرد دیگری نیز آمده بود که او را موسیو ژاک روبر مدیرکل سیاسی و مسؤؤل خاورمیانه و ایران در وزارت امور خارجه فرانسه معرفی کردند. قسمت عمده مذاکرات را او انجام داد. لحن مطالبی که آن‌ها این بار مطرح می‌کردند با دفعه قبل کاملاً متفاوت بود و بیشتر نشانه آمادگی دولت فرانسه برای قبول واقعیت جدید در ایران بود. در این ملاقات طرف فرانسوی در پی درک نظرات سیاسی امام خمینی و شناخت از ماهیت حکومت آینده ایران بود تا بتواند برای آینده روابط بین دو کشور برنامه‌ریزی کند.

کلود شایه: «در ابتدای اقامت حضرت عالی در این‌جا ما خدمتتان رسیدیم و قبلاً هم صحبت کرده و اطلاع دادیم که هیچ‌گونه ممانعتی برای ماندن حضرت عالی در فرانسه وجود ندارد.»
امام خمینی: بسیار متشکرم.

کلود شایه: «حضرت آیت‌الله فراموش نفرموده‌اند که در دفعه قبل خطوط کلی جنبش را تشریح فرمودید. من در تماس خودم با مقامات عالییه، اهداف نهضت را به آن‌ها منتقل کردم. در عین حالی که توجه داریم که مسایل حضرت عالی مربوط به امور داخلی ایران است اما حالا آمده‌ایم که عرض کنیم که ما به تمامی این مسایل توجه کرده‌ایم. وضعیت قبلی به سرعت تغییر می‌کند و رو به جلو است. همکار من که بیشتر از من صلاحیت دارد، این بار همراه من آمده است تا این توجهات را به نظر حضرت عالی برساند.»

مطرح نیست. ما از اول او را قانونی نمی دانستیم. حالا هم که همه رأی به خلع او داده اند. مردم رژیم سلطنت را نمی خواهند. همه را نفی کرده اند سلطنت خلاف قوانین ما است.»

ژاک روبر:

«آن چه که ما از اول این بحران فهمیدیم رژیم سلطنت براساس قانون اساسی ۱۹۰۶ است و ادامه این رژیم از قبل است. مسأله اساسی عدم اجرای قانون است که قدرت مذهبی را در درجه اول قرار می دهد، آیا این تغییر کرده است؟»

امام خمینی:

«اصل قانون اساسی این است که سلطنت و همه رژیمها باید به تصویب مردم باشد. رژیم بدون رضایت مردم هیچ اساسی ندارد. مردم الآن تماماً نه شاه و نه سلطنت پهلوی را می خواهند و نه رژیم سلطنتی را. بلکه جمهوری، جمهوری اسلامی را می خواهند.»

ژاک روبر:

«بنابراین، آن چه مطرح است سلطنت این یا آن خانواده مورد نظر نیست. آن چه در این قانون اساسی به جای سلطنت جایگزین می شود جمهوری، جمهوری اسلامی است. ممکن است بحثی درباره این جمهوری و اسلامی بکنید.»

امام خمینی:

«اصل جمهوری همین است که در مملکت شما هم هست که آرای عمومی مردم آن را تعیین می کند.»

اسلامی می گوئیم چرا که قانون اساسی ما بر اساس آن است. قانون اساسی فعلی را بررسی می کنیم آن چه با اسلام موافق است می پذیریم و

هر جا که تناقض دارد رد می کنیم. جمهوری است یعنی دموکراتیک و اسلامی است یعنی قانون آن اسلامی است.»

ژاک روبر:

«به جز ریاست جمهور آیا نظرتان حضور پارلمان و احزاب و مقابله احزاب هم هست؟»

امام خمینی: «بله همه اینها هست.»

ژاک روبر: «آیا تغییر مثل فرانسه است؟»

امام خمینی: «بله، همین طور است اما قانون ما اسلام است.»

ژاک روبر: «اگر فرض کنیم که شاه رفته است، در چنین وضعیتی کسانی که قدرت را در مرحله انتقالی به دست می گیرند تا انجام انتخابات، آیا در دست مذهبیها خواهد بود یا کسانی که مورد تأیید مذهبیها باشند؟»

امام خمینی: «در دست کسانی که ما تعیین می کنیم و کسانی که شورایی آنها را تعیین خواهد کرد.»

ژاک روبر: «آخرین سؤال ما درباره ارتش است. نظر شما چیست؟ آن را حفظ خواهید کرد؟ قدرت مذهبی با ارتش کنار می آید؟»

امام خمینی: «با اصل ارتش مخالفتی نداریم. هر کشوری ارتش لازم دارد. ارتش را باید تصفیه کرد اشخاصی استفاده جو و خائن هستند. اما جناحهای دیگر خدمتگزار به وطن هستند و باید محفوظ بمانند. البته، ارتش با این عرض و طول که بیشتر بودجه مملکت را فرو می برد، قابل تحمل نخواهد بود.»

ژاک روبر: «ما در این مسافرت (منظور مسافرت وزیر امور خارجه فرانسه به کشورهای همسایه ایران

کرد. با توجه به این که روس‌ها از این قرارداد صحبت می‌کنند و آمریکایی‌ها ناوهای جنگی خود را به خلیج فارس آورده‌اند این سؤال مطرح می‌شود.»

امام خمینی: «این قرارداد (با روس‌ها) اصل آن غیرقانونی است. اصل آن هم امکان به‌وجود آمدن ندارد. آن‌طور نیست که هر کدام از این دو اجازه بدهند که دیگری وارد شود. وقتی جنبش به حرکت در می‌آید باید تمامی جوانب آن را ببذیرد.»

ژاک روبر: «دولت فرانسه مخالف جنگ‌های ابرقدرت‌ها است.»

امام خمینی: «ما هم مخالفیم.»
ژاک روبر: «تمامی خارجی‌های مقیم تهران نگران وضع آینده هستند. برخی اقلیت‌های دینی، خصوصاً یهودی‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند. نظرتان چیست؟»

امام خمینی: «خارجی‌ها و اقلیت‌ها همه محترم هستند. اقلیت‌های دینی در اسلام احترام دارند. آزادی دارند. بدانید آن‌ها بهتر به زندگی خود ادامه خواهند داد. نماینده یهودیان آمد این‌جا و من به آن‌ها اطمینان دادم که با آن‌ها با احترام رفتار خواهد شد.»

تجزیه و تحلیل این ملاقات که دارای اهمیت بسیار است، در این فرصت کم امکان‌پذیر نیست اما می‌توان گفت که سؤالات مطروحه از جانب مقامات فرانسوی حاکی از تغییر تصمیم آن‌ها در ارتباط با جنبش مردم ایران و تدوین استراتژی جدید در مورد رابطه با ایران انقلابی است.

اعلام موضع دولت فرانسه دو هفته بعد از این ملاقات حاکی از تغییر موضع کامل در مورد انقلاب

(است) به کشورهای عربی اطراف خلیج فارس رفته بودیم. از مسایل مربوط به ایران نگران هستند که عدم ثبات ایران همه منطقه را به هم می‌زند. شاه حسین هم وقتی به فرانسه آمد از همین مسایل نگران بود. شاید هم حافظ اسد، که چه خواهد شد. مورد علاقه است که بدانیم به نظر آیت الله در آینده وضع ثبات منطقه چه خواهد شد. به علت اهمیت آن برای دنیا و وزن ایران در منطقه و دنیا، ثبات ایران را چگونه حفظ می‌کنید؟»

امام خمینی: «ثبات ایران با نبودن شاه بهتر حفظ می‌شود. بودن شاه عدم ثبات را به‌وجود آورده است و تمامی ابعاد ملی، سیاسی، اجتماعی ایران را فرو ریخته است. این‌ها باید در مدتی ترمیم گردد. اما در مورد ثبات منطقه، دولت ایران وضع ژاندارم را نخواهد داشت که برای حفظ مصالح دیگران امنیت را حفظ کند. ایران با سایر کشورهای منطقه در حفظ آرامش و ثبات همکاری خواهد کرد.»

ژاک روبر: «با یکی از کشورهای ما صحبت می‌کردیم اظهارنگرانی می‌کرد که تحولات اخیر ایران ممکن است موجب تجزیه ایران بشود. آیا چنین چیزی امکان‌پذیر است؟»

امام خمینی: «این تبلیغات و تشبثات شاه است، دروغ است، واقعیت قضیه این است هرگز احتمال چنین چیزی نیست و واقعیت ندارد.»

ژاک روبر: «مسأله مورد سؤال این است که روسیه قدرت بزرگ جهانی همسایه شما است که قرارداد ۱۹۲۱ را با ایران دارد و به موجب آن هر کشوری که در خاک ایران نیرو پیاده کند یا نیروهایی به مرزهای ایران نزدیک شوند و خطری برای روسیه باشد آن‌ها به ایران نیرو وارد خواهند

بختیار می‌گوید: «پس من یک فرد دیگری را به پاریس می‌فرستم.»

موسیو شایه در روز ۵۷/۱۱/۳ با امام خمینی ملاقات می‌کند و می‌گوید: «با توجه به این که ابداً مایل به دخالت در کار ایران نیستیم، فکر می‌کردیم نفس آوردن پیغام بختیار دخالت در کار ایران است اما از آن‌جا که فکر کردیم نفس آوردن پیام ممکن است باعث کمک شود آن را منتقل می‌کنیم.» او سپس محتوای پیام بختیار را از روی متن می‌خواند. بدین ترتیب ملاقات‌های امام خمینی با مقامات فرانسوی در نوفل لوشاتو به پایان می‌رسد و چند روز بعد ایشان عازم ایران می‌شود.

همان‌گونه که در ابتدای مطلب به آن اشاره شد این مقطع از انقلاب دارای اهمیت بسیاری است که تاکنون به دقت مورد ارزیابی قرار نگرفته است و برای اولین بار است که دکتر ابراهیم یزدی به نقل بخش مهمی از آن در خاطرات خود پرداخته است که به‌طور کامل مورد استفاده در این مقاله قرار گرفته و نسخه‌برداری شده است.

امام خمینی در نوفل لوشاتو ملاقات‌های مهم دیگری با نمایندگان دولت آمریکا و دیگر دولت‌ها داشته‌اند که انشاءالله در فرصت‌های دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

دکتر سیدمحمد صدر

اسلامی ایران است. در تاریخ ۱۵ ژانویه ۷۹، برابر با ۲۵ دی ماه ۵۷ دولت فرانسه رسماً اعلام کرد که «رفتار فرانسه با حضرت آیت‌الله خمینی مانند رفتار با سایر افراد خارجی مقیم فرانسه خواهد بود. دولت فرانسه هیچ اقدام ویژه‌ای با توجه به اقامت آیت‌الله خمینی به عمل نیاورده است، زیرا معتقد است که ایشان تمام مقرراتی که یک تبعه خارجی باید در فرانسه مراعات کنند، محترم شمرده است و اقامت ایشان سبب برهم خوردن نظم عمومی و آشوب نشده است.»

آخرین ملاقات مقامات فرانسوی با امام خمینی در روز ۵۷/۱۱/۳ است که مربوط به انتقال پیام بختیار به امام خمینی است که با واسطه ژیسکار دستن رئیس‌جمهور فرانسه انجام شده است.

بختیار که برای جلوگیری از ورود امام خمینی به تهران مانع پرواز انقلاب شده بود و تمامی فرودگاه‌های ایران را بسته بود سفیر فرانسه در تهران را احضار می‌کند و از او می‌خواهد که پیام او به امام خمینی از طریق ژیسکار دستن به ایشان منعکس شود. بختیار در این پیام می‌گوید اگر آیت‌الله خمینی به تهران بیایند در این‌جا حمام خون به راه می‌افتد.

سفیر فرانسه در پاسخ می‌گوید: «سیاست دولت فرانسه دخالت در امور داخلی ایران نیست.»